

بسم الله التّور

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد و عجل فرجهم

سورههای حوامیم را آل حم یا ریحانه های قرآن هم گفته اند.

جزء معدود سوری هستند که ارتباطاتشان خیلی عیان است.

همین انسجام این هفت سوره حرف های زیادی برای گفتن دارد.

بخش "بیان آیات" در تفسیر المیزان را گفتیم خیلی مهم است و خیلی با دقت بایست خوانده بشود.

بیان سوره غافر از المیزان: در باب استکبار و جدال باطل است

این سوره پیرامون بلند پروازیه های کفار، و جدالشان به باطل به منظور از بین بردن حقی که بر آنان نازل شده، سخن می گوید، و لذا می بینیم که آیات آن یکی پس از دیگری متعرض جدال آنان، و پاسخ دادن به جدالشان می شود، یکجا می فرماید: (ما یجادل فی آیات الله الا الذین کفروا فلا یغررک تقلبهم فی البلاد)، جای دیگر می فرماید: (الذین یجادلون فی آیات الله بغير سلطان اتاهم کبر مقتا)، باز هم می فرماید: (الم تر الی الذین یجادلون فی آیات الله انی یصرفون). و با این تکرار، سورت استکبار و جدال آنان را از راه به رخ کشیدن عذابی که امم گذشته به جرم تکذیب گرفتار آن شدند می شکند، و به همین منظور عذابهای خوار کننده ای را که خدا به ایشان وعده داده، با ذکر نمونه ای از آنچه در آخرت بر سرشان می آید خاطر نشان می کند.

ما دو نوع جدال در قرآن داریم. یک جدال احسن و یک جدال باطل\*\*حتما باید شما در بیانها غرض را ببینید\*\* علامه سوره را حول جدال باطل چیدند. ببینیم هدفشون از این جدال باطل چه بوده. آیه ۵. و جادلوا بالباطل لیدحضوا به الحق... لـ سر یدحضوا، لام غایت است.

آیه ۴. آیه ۳۵ و آیه ۶۹ جزء حجج ناطقه این سوره هستند.

چه جوری باید به استکبار اینها جواب داده بشود؟ با این سه تا استدلال، استکبار اینها را شکسته. به چه ترتیب؟ با یادآوری عذاب های امت های گذشته و تجسم صحنه هایی از عذاب اخروی.. آیات عذاب را در این سوره خیلی خواهیم دید.

گفته میشود که آیات سوره غافر بیشتر آیات خوف هست. و فضای سوره بیشتر فضای خوف است تا فضای رجا.

مثلا یکجا عذاب را یوم التناد مینامد، یکجا یوم التلاق، ... >> برای در هم کوبیدن آن پلنگدماغی کفار رسول، در این سوره وجهه اش اندازی هست .

\*\*\*هیچ وقت از خواندن " بیان آیات " در تفسیر المیزان نگذرید \*\*\*

\*\*\*سعی کنید همیشه یک نمودار درختی کوچک از بیان آیات برای خودتان رسم کنید\*\*\*

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیه اول حم (۱) حروف مقطعه. معنی اش را ما نمیدانیم

آیه ۲.

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۲)

تنزیل از باب تفعیل. ان شاءالله باب را به خوبی بلد باشید. تنزیل اینجا مصدر هست از باب تفعیل که معنی اسم مفعول میدهد

به نام خدا. کتابی که الان روبروی شماست، نازل شده از جانب الله عزیز علیم است .

عزیز علیم به چه معناست؟

عزیز را علامه " نادر الوجود " میدانند. یعنی انقدر این با ارزش است که کمیاب است. یک وجود با ارزش کمیاب غیر قابل نفوذ به خدا میگویم عزیز علی الاطلاق: اگر این صفت برای بنده نسبی است برای خدا مطلق است.

باید اینجا سوال برای ما پیش بیاید چرا عزیز؟ چرا علیم؟

وقتی فضای سوره فضای خوف است، وقتی رسول سوره، وجهه اندازی دارد و وقتی سوره مکی است، پس باید اول سوره صفتی از خدا بیان بشود که این خوف و انداز را در مخاطب القا بکند حرف از عذاب است، پس صفت عزیز می آید. علیم چرا؟

وقتی دو صفت دنبال هم میآید، بایست اینها را ترکیبی ببینید. یعنی عزیز العلیم آمده باید عزیز بودن خدا را از منظر علیم بودنش ببینید

چرا علیم؟ آیه ۸۳ را ببینید. آن کافران به علم خودشان غره بودند. پس باید با صفت علیم بایست پلنگ دماغی آنها را بر هم بکوبد

یا آیه ۲۶. فرعون میگوید من میترسم موسی دین شما را عوض کند یا در زمین فساد کند چرا صفت علیم؟ چون جدال اینها خللی به علم خدا وارد نمیکند.

حجج ناطقه یعنی برهان هایی که خودشان حرف برای گفتن دارند. ناطق هستند برای عزیز، بحث عذاب هاست، برای علیم هم جدال به باطل اونها.

## غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّلْوَلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۳)

بعد از این دو صفت، در آیه ۳ چهار صفت را می آورد:

غافر الذنب "و" قابل التوب، شدید العقاب ذی الطول هر چهارتا صفت مجرور هستند عامل جر، حرف "م ن" در آیه ۲ هست.

نکته ی مهم: چرا واو عاطفه بین "غافر الذنب" و "قابل التوب" آمده و بین باقی نیامده؟

واو عاطفه، دو طرف خود را در دو کفه همتراز از ترازو قرار میدهد. یعنی غافر الذنب همانا قابل التوب است.

در مقابل شدید العقاب، سمت عذاب و ذی الطول سمت نعمت را نشان میدهد

ذنب به چه معناست؟ ذنب گناهی است که دنباله ی یک گناه است. یا گناه نیست، تبعات یک کار است. به دم روباه هم میگویم ذنب

در مورد نوشیدن شراب، خود این عمل جرم است، ذنبش این است که تا ۴۰ روز آن شخص نمازش قبول نمیشود صفتی از خداوند که مناسب با ذنب است، غفران است

غفران به معنای "محو اثر" است. یعنی خداوند با غفرانیتش، دم ذنب ما را قیچی میکند منظور از استمرار تجدیدی چیست؟

استمرار تجدیدی: نو به نو و تازه به تازه شدن. گویی خدا هر لحظه دارد این صفتش را به ما نشان میدهد. پس به صورت اسم فاعل بیان میکند

عقبی معمولاً در مورد ثواب و کارهای خیر به کار میرود: آنچه نتیجه ی کارهای خیر ماست.

اما عاقبت، اگر به تنهایی بیاید، خیر است، اما اگر با یک اضافه ای همراه باشد، بایست با توجه به آن قرینه و اضافه معنا شود.

و العاقبه للمتقين: خوب است. یا ثم کان عاقبه الذین اسأوا السوء ان کذبوا بایتنا... بد است اما کلمه عقوبت و معاقبه (باب مفاعله) معمولاً در مورد شر به کار میرود

باب مفاعله دو تا مصدر دارد: مفاعله یا فعال مثلاً برای ریشه عقب، مصدر باب مفاعله یا معاقبه میشود یا "عقاب" طول، از همان طولانی، طول میآید. نعمتی که مدت دار است

ذی الطول همان منعم است، منعم ممکن است نعمتش کوتاه مدت یا طولانی مدت باشد. اما ذی الطول منعم ۰ دارای نعمت های طولانی مدت است

شروع خیلی زیبایی بود آیات ابتدایی سوره. بایستی این صفات خیلی خوب برای ما جاببفتد تا سوره را فهم کنیم ان شاءالله همه ی ما انسان ها در زندگی دنیا در بهره مندی از نعمت ها مشترکیم. اما در آخرت دو دسته

میشویم: شقی و سعید... در مورد دو صفت غافر الذنب و قابل التوب: هرکسی که بتواند در دنیا خودش را پرورش بدهد، استعدادها را به منصف ظهور

برساند، لابق دریافت غفران و رحمت خداوند میشود و هرکس که این توانایی را هرز بدهد، عقاب شدید خداوند شامل حال او میشود

این دنیا محل دعوت و آن دنیا محل نتیجه است. پس باید یک نفر بیاید، کتابی دستش باشد و مردم را به سمت خدا هدایت بکند. ما به تنهایی نمیتوانیم راه هدایت را پیدا کنیم و سعید بشویم

این هدایت را خدا بر خودش واجب کرده "و علی الله قصد السبیل" ... شأن این کتاب ایجاد میکند غافر الذنب بودن و قابل التوب بودن و شدید العقاب و ذی الطول بودن او را کلمه توحید "لا اله الا هو" در ادامه می آید

الیه المصیر: مصیر، مصدر میمی از صیر است. بازگشت همه ما به سمت خداست سیاق اول این سوره از آیه ۱ تا ۶ هست.

### مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرُكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ (۴)

آیه ۴ اولین آیه در این دسته هست که بحث جدال را مطرح میکند ما یجادل: "ما" در اینجا مای نافی است.

ترکیب "ما" و "الا" در این آیه، از ترکیب هایی هست که معنی انحصار میدهد

معنی کنیم آیه را "جدال نمیکنند در آیات ما جز..." یا "فقط...ها در آیات خدا جدال میکنند"

فلا یغررک تقلبهم... اگر جلسات قبل را گوش کرده باشید، این یغررک برای ما آشناست، در مورد غرر، آیات غرر صحبت کردیم تقلبهم فی البلاد: رفت و آمدشان در سرزمین ها. کثیر السفرهایی که به واسطه تمول زیاد سفر میکنند. در عصر ما هم هستند

□ استاد ببخشید سیر با تقلب چه تفاوتی دارد؟ داریم آیاتی که میفرماید سیروا فی الأرض...

سیر پشتش عبرت است، دیدن دارد: فعل ها معمولا امری یا توبیخی است: چرا سیر نکردید؟ اما تقلب، رفت و آمد با تکبر است

کسانی که اهل جدال هستند در آیات خدا، قصدشان مقابله با دعوت های حقه است. پس صفتی از آن ۴ صفت که مشمول اینها میشود صفت "شدید العقاب" است

خدا از این ها غافل نیست، اگر روزی توبه بکنند مشمول صفت غافر الذنب و قابل التوب میتوانند بشوند

علامه ذیل این آیه میفرماید آیه نفرموده "ما یجادل فی آیات القرآن" فرموده ما یجادل فی آیات الله. به طور کل منکر آیات الهی اند

جمله بعد از الذین صله است. کلمه ی بعد از "الذین" که موصول است میشود صله. میتوانست به جای الا الذین کفروا بیاورد کافر، کسی که صفت کفر در او ثابت شده

چرا مایجادل آمده و لایجادل نیامده؟ "ما"ی نافیه، دامنه وسیع تری دارد و تمامی کفار معاصر پیامبر را شامل میشود .

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ﴿٥﴾

کذبت: فعل ماضی. قبلهم: قبل از معاصران پیامبر... قوم نوح و "الاحزاب" من بعدهم. همه ی اقوام بعد از حضرت نوح .

احزاب با ال معرفه شده که نشان دهنده شناخته شده بودن آن افراد است

و همّت کل امه برسوله: اهتمام داشتند که رسولشان را بگیرند اخذ کنند، و جدال به باطل کردند تا حق را دحض کنند. و خدا میفرماید: فاخذتهم: اخذ های خدا معمولاً اخذ عذاب است، حتی اگر لفظ عذاب در کنار آن نیاید، معمولاً عذاب در تقدیر آن است. فکیف کان عقابی.. عقاب ۰ من. ی افتاده .

وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ﴿٦﴾

آیه: سرنخ نشانه بودن. آنچه ما را به سمت صاحب آیه دلالت میکند آیه ۶

تکلیف جلسه بعد ما این باشد که ببینیم "کلمه" ها در قرآن چه هستند و دسته بندی شان از نظر علامه چیست؟ آن وسط جمله به مثابه دو نقطه در نگارش ماست اصحاب النار: هم نشین نار شدند، با نار دوست شدند

در زمان باقیمانده برویم سراغ سیاق دوم، کمی فضا عوض میشود در این سیاق اول بیان آیات را مطالعه میکنیم بیان آیات بعد از آنکه در آیات قبل تکذیب کفار و جدال به باطلشان در آیات خدا را خاطر نشان ساخت و نیز اشاره کرد به اینکه اینها نمی توانند خدا را عاجز سازند و خدا از اینان غافل نیست، بلکه منظور او از این دعوت همین است که اینان تکذیب و جدال بکنند، تا از دیگران متمایز و جدا گشته، کلمه عذاب بر علیه آنان حتمی شود، اینک در این آیات به آغاز کلام برگشت کرده، به آنجا که می فرمود: نازل کردن کتاب و به پا خاستن دعوت به منظور مغفرت و قبول توبه جمعی و عقاب جمعی دیگر است، در این آیات خاطر نشان می سازد که مردم در مقابل این دعوت دو جورند. یک طایفه آنهایند که ملائکه حامل عرش خدا و طواف کنندگان پیرامون آن برایشان استغفار می کنند و آنان عبارتند از: توبه کنندگان که به سوی خدا بر می گردند و راه او را پیروی می کنند و نیز صلحا از

پدران و همسران و ذریه ایشانند. و دسته دوم عبارتند از، کسانی که به جرم کفر ورزیدن به توحید، اهل عذابند.

به نقل از المیزان از سیاق دوم. آیات ۷ تا ۱۲

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٧﴾

الذین یحملون العرش: هیچ جا گفته نشده حاملان عرش چه کسانی هستند. ملائکه هستند، غیر آن هستند؟ به سوره زمر مراجعه کنیم. آنجا فرموده و ترى الملائکه حافین من حول العرش یسبحون بحمد ربهم و .... معلوم میشود حاملان عرش ملائکه اند .

اما سبح: تسبیح ...

تسبیح شون با حمد همراه است .

حمد: ثنای فعل جمیل اختیاری

ما اگر میگویم گل زیباست، زیبا بودن گل دست خودش نیست. پس اگر ثنایش کنیم، مدحش کردیم نه حمدش و یومنون به: به وحدانیت و الوهیت خدا ایمان دارند .

□ سوال: ببخشید طبق تعریف سبح که فرمودید، سبحان الله را چطور معنا کنیم؟

سبحان مفعول مطلق برای فعل محذوف است. ما در واقع میگویم سبحان: تسبیح میکنیم خدا را چه تسبیح کردنی... ما با تسبیح کردنمون به سمت خدا حرکت میکنیم و در این مسیر رفع نقص (تنزیه) میکنیم از خداوند، اگر میگویم خدا علیم است یعنی خدا جاهل نیست

یستغفرون للذین آمنوا، غفر محو اثر، رفت در باب استفعال: طلب غفران برای چه کسی؟ کسانی که ایمان را در زندگی خودشان پیاده کردند

متن استغفار ملائکه چیست؟ یک دو نقطه اینجا بعد از آمنوا باید بگذاریم .

میگویند ای خدا! تو هر چیزی را از لحاظ رحمت و علم گسترش دادی، پس بیا.. فاغفر للذین تابوا و اتبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم

و، واو عاطفه است. و قهم: خود قی به تنهایی فعل است. و که واو عاطفه است. هم هم ضمیر است، مفعول است. فاعلش انت درش مستتر است رحمه و علماً: تمیز الجحیم: مضاف الیه

زمان ما تمام شد، تکلیف برای جلسه بعد:

۱. سیاق دوم و سوم را مطالعه بکنید.
۲. "کلمه" را در قرآن مطالعه کنید ( کلمه عذاب، کلمه مخلوق، کلمه ی... )
۳. اگر یک نمودار هم از سیاق هر دسته رسم کنید که عالی میشود.

